

"بسمه تعالی"

زنان و مسجد

عسکری اسلام پورکریمی

مقدمه

با نگرش به مجموعه‌ی تعالیم حیات‌بخش شریعت اسلام درمی‌یابیم که زن از سرشتی انسانی، همچون مرد، آفریده شده است و همان‌گونه که در آفرینش با مرد یکسان است و سرشتی جداگانه ندارد، در رشد و کمال معنوی و رسیدن به قلّه‌های بلند تقوا و فضیلت نیز استعدادهای سرشاری دارد. بانوان که نیمی از پیکر جامعه‌ی انسانی‌اند، همانند مردان در مشارکت عمومی پایگاه و جایگاه مناسبی دارند و نمی‌توان از نقش سازنده‌ی آنان چشم پوشید.

اسلام با حضور بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماعی مخالف نیست و آنان را منع نکرده است؛ گرچه وظیفه و نقش اصلی وی را «مادری» و تربیت و پرورش انسان‌های بزرگ و وارسته می‌داند. البته در کنار آن نیز به آنان اجازه داده است تا با حفظ حریم، عفت، پاکدامنی و در پوششی مح فوظ در اجتماع حضور یابند و برای رشد و ترقّی خود و جامعه گام بردارند.

با دقت نظر در منابع اصیل روایی اسلام درمی‌یابیم که در عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، زنان مؤمن همانند مردان در مجامع عمومی ای مانند نماز جمعه و جماعت شرکت می‌کردند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پس از مدتی که درب ورودی و خروجی مسجد النبی برای مردان و زنان یکی بود، دستور فرمودند برای زنان درب دیگری قرار دهند که «باب النساء» نامیده شد و هنوز هم به این نام معروف است. بنابراین، سیره‌ی نبوی (صلی الله علیه و آله) و دلائل و شواهد تاریخی از جمله دلائل متقنی است که بر جواز حضور زنان در مجامع عمومی‌ای مانند حضور در مسجد برای برگزاری عبادت وجود دارد. سخنی که در این نوشتار متعرض آن خواهیم شد، از این قرار است:

۱- حال که با استفاد به روایات و دلائل و شواهد تاریخی حضور زن در مسجد جائز شمرده می‌شود،

پرسش اصلی این است: آیا برای زن جائز است در مسجد، متصدی امامت جماعت گردد؟

۲- فقه پویای اسلام درباره ی احکام حضور زنان در مسجد چه می‌گوید؟ (احکام فقهی حضور زن در مسجد)

۳- در شریعت اسلام، مسجد جایگاهی برای ازدواج شناخته می‌شده است، در تاریخ اسلام آمده است که پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای بسیاری از صحابه در مساجد خطبه‌ی عقد ازدواج خواندند؛ مانند ازدواج امام علی و فاطمه زهرا (علیهما‌السلام). حال، آیا می‌توان در این عصر هم مراسم عقد ازدواج را در مساجد برگزار کرد؟

فصل اول

زن و قبول مسئولیت در مسجد

الف: زن و امامت جماعت در مسجد

دیدگاه فقهای شیعه:

جهت روشن‌شدن بحث بهتر است اختلاف یا اتفاق نظر در سه مورد زیر بررسی شود:

الف) مرد می‌تواند امام جماعت برای مردان به‌تنهایی، زنان به‌تنهایی و مردان و زنان با هم باشد؛

ب) زن نمی‌تواند امامت جماعت برای مردان به‌تنهایی و مردان و زنان با هم باشد؛

ج) زن می‌تواند امام جماعت برای زنان باشد.

مورد اول و دوم محل اتفاق آرا و نظر عالمان و فقیهان است، ولی مورد سوم، محل اختلاف نظر است.

مرحوم صاحب جواهر اصلاً در مورد مسئله‌ی اول صحبت نکرده است؛^۱ زیرا در نظر همه‌ی فقها و

مطابق با سیره‌ی همه‌ی مسلمانان امری جائز و درست است و محل اختلاف نیست. در مسئله‌ی دوم نیز

ادعای نقل و تحصیل عدم‌خلاف کرده است و سپس از مرحوم شیخ طوسی و علامه‌ی حلی نقل اجماعی بر

^۱ - جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۲۳۶.

آن می‌کند و می‌گوید که سایر فقها نیز در این مسئله رأی مخالفی ابراز نداشته اند. عمده‌ی اختلاف‌نظرها درباره‌ی امامت جماعت زن در مورد سوم است؛ یعنی جایی که همه‌ی مأمومان زن هستند. مشهور فقهای عظام شیعه امامت جماعت زن برای زنان را جائز می‌دانند^۲ و برخی از آنان نیز ادعای اجماع کرده‌اند.^۳ البته، ناگفته نماند که تحصیل اجماع مشکل است؛ زیرا وجود علمای بزرگ مخالف محرز است؛ برای مثال قدما، سیدمرتضی^۴ و ابن جنید اسکافی و صاحب «مستندالشیعه»^۵ مخالف امامت جماعت زن برای زنان هستند. چنان‌که گذشت، بسیاری از فقهای قدیم و متأخر به جواز امامت زن برای زنان قائل هستند؛ ازجمله به موارد ذیل اشاره می‌کنیم:

مرحوم صدوق گرچه در «المقنع» متعرض مسئله نشده‌اند، ولی از بیان ایشان در «جمل العلم و العمل» که نفی جواز امامت زنان برای مردان را نمودند، استظهار می‌شود که امامت آن‌ها (زنان) برای زنان بلامانع است.^۶

مرحوم کلینی نیز در «الکافی» پس از منع امامت زنان برای مردان و برخی طوایف دیگر می‌فرماید: «يجوز أن يؤمَّ كلَّ منهم بأهل طبقته».^۷

مرحوم قاضی ابن برّاج هم در «مهدّب البارع» آورده‌اند: «لا يؤمُّ المرأةُ الرجالَ و يجوز أن تؤمَّ النساء».^۸

مرحوم شیخ طوسی نیز در «النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى» آورده است: «لابأس أن تؤمَّ المرأةُ بالنساء»^۹ و در «المبسوط» فتوی به استحباب داده‌اند.^{۱۰}

^۲ - این شهرت با ملاحظه کتاب‌های فقهی به دست می‌آید. صاحب جواهر جواز را به مشهور اصحاب نقلاً و تحصیلاً نسبت داده اند: جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۳۶؛ علامه در مختلف، ص ۱۵۴؛ شهید در بیان، ص ۲۳۱.

^۳ - مستندالشیعه، ج ۵، ص ۳۵. صاحب جواهر هم از ریاض المسائل نقل می‌کند: «إن علیه عامة من تأخر».

^۴ - سلسلة الینایع الفقهیه، ج ۲۷، ص ۶۴۷.

^۵ - محقق نراقی، مستند الشیعه، ج ۵، ص ۳۷.

^۶ - سلسلة الینایع الفقهیه، ج ۳، ص ۱۸۳.

^۷ - همان، ص ۲۷۴.

^۸ - همان، ص ۴۰۹.

صاحب شرایع^{۱۱} در «شرایع الاسلام»، علامه‌ی حلی در «تبصره»^{۱۲} و «تلخیص المرام»^{۱۳} و شهید اوّل در «دروس»^{۱۴} شهید ثانی در «مسالك»^{۱۵}، محقق اردبیلی در «مجمع الفائدة و البرهان»^{۱۶}، صاحب حدائق^{۱۷} و صاحب جواهر^{۱۸} همگی فتوا به جواز امامت جماعت زنان برای زنان در فرائض داده‌اند. از میان عل‌مای معاصر نیز تعداد قابل توجهی قائل به جواز امامت زنان برای زنان در نمازهای واجب‌اند؛ مانند مرحوم سیدکاظم یزدی در «عروة الوثقی»^{۱۹}، مرحوم حکیم در «مستمسک العروة الوثقی»^{۲۰}، مرحوم خویی در «منهاج الصالحین»^{۲۱}.

آیت ا... گلپایگانی در نماز میت جائز نمی‌دانند، ولی در بقیه‌ی موارد امامت زن برای زنان را جائز می‌شمارند.^{۲۲} امام خمینی (قدس سره) در این مسئله تأمل و اشکال دارند، ولی سائر بزرگان محشین عروه، حاشیه‌ای بر این مطلب ندارند. از فقهای حاضر، آیات عظام خامنه‌ای، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی و شیخ جواد تبریزی به جواز امامت زنان فتوی داده‌اند؛ هرچند برخی آن را مکروه می‌دانند.^{۲۳}

۹- همان، ج ۳۰، ص ۳۲۴.

۱۰- همان، ج ۲۷، ص ۲۳۳.

۱۱- همان، ج ۴، ص ۸۲۱.

۱۲- همان، ج ۲۸، ص ۵۲۲.

۱۳- همان، ص ۵۶۷.

۱۴- همان، ص ۶۴۷.

۱۵- مسالك الافهام، ج ۱، ص ۲۶۴.

۱۶- مجمع الفائدة و البرهان، ج ۲، ص ۳۴۵.

۱۷- الحدائق الناضرة، ج ۸، ص ۱۴۱ و ج ۱۱، ص ۱۸۹.

۱۸- جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۳۷.

۱۹- عروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۹۸ - ۷۹۷.

۲۰- مستمسک عروة الوثقی، ج ۷، ص ۲۲-۳۲۱.

۲۱- منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۱۸.

۲۲- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۸۱۹.

۲۳- رک. به: توضیح المسائل مراجع، ص ۸۱۸ - ۸۱۷ و ۸۳۹ و همچنین رساله عملیه آیت الله تبریزی.

ادله‌ی مسئله

دلائل زیادی بر این مسئله اقامه شده است که بیشتر روایی اند. البته، صاحب جواهر از قول «خلاف»، «تذکره»، «غنیه»، «ارشاد جعفریه»، «معتبر» و «منتهی» ادعای اجماع بر جواز را نقل کرده است و در بیان مستندات آن غیر از روایات، به اصل اشتراک احکام نیز تمسک جسته اند. تمسک به این اصل در کنار روایات، از این جهت مفید است که در صورت مواجهه با روایاتی که ظهور در عدم جواز امامت زنان دارند، می‌توانیم به اصل مزبور مراجعه کنیم و روایاتی را ترجیح دهیم که جواز امامت زنان را ثابت می‌کنند. در هر حال، دو دسته روایت در این باره وجود دارد:

الف) روایاتی که امامت زنان برای زنان را تجویز می‌کنند:

نبوی معروف و مشهور در کتب روایی شیعه و اهل سنت که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به «امّ ورقه» امر فرمودند که برای اهل خانه‌ی خود نماز جماعت برگزار کند.^{۲۴}

روایت دیگر از امام صادق (علیه‌السلام) است که از آن حضرت پرسیدند: «ففی صلاة المکثوبه‌ایوم یجھن بعضاً؟» حضرت پاسخ دادند: «نعم».^{۲۵}

سومین روایت، «موثقه سماعة بن مهران» است از امام صادق (علیه‌السلام): «عن المرأة تؤم النساء؟ فقال: لا بأس به»،^{۲۶} سماعة می‌گوید: از امام صادق (علیه‌السلام) درباره‌ی «امام جماعت شدن زن برای زنان» سؤال کردم؟ حضرت فرمودند: اشکالی ندارد.

روایت عبدالله بن بکیر از امام صادق (علیه‌السلام) که حضرت در پاسخ به پرسش در این باره می‌فرماید: «نعم؛ تقوّم وسطاً بینهنّ ولا يتقدّمهنّ»، جایز است، در وسط زنان می‌ایستد، نه جلوتر از آنان.^{۲۷} این روایت

^{۲۴} - کنز العمال، ج ۴، ص ۲۵۷، قم ۵۳۶؛ مصباح الفقیه، ج ۲، ص ۶۸۰؛ اعلام النساء، ج ۵، ص ۲۸۴، درباره‌ی امّ ورقه بنت عبدالله بن حارث انصاریه آمده است: «من فواضل نساء عصرها کلن رسول الله یزورها و یسمیها الشهیدة ... و كانت جمعت القرآن، فأمرها النبی (ص) أن تؤمّ أهل دارها فكانت تؤمّ أهل دارها».

^{۲۵} - وسائل الشیعه، ج ۵، ابواب صلاة الجماعة، باب ۲۰، ح ۲.

^{۲۶} - همان، ابواب صلاة الجماعة، باب ۲۰، ح ۱۱.

مرسل است، ولی علاوه بر آنکه ابن بکیر از اصحاب اجماع^{۲۸} است، روایت مزبور نیز به ادله صحیح و موثق دیگری تأیید شده است.

روایت علی بن جعفر از امام کاظم (علیه السلام): «عَنْ الْمَرْأَةِ تَوَمُّ النِّسَاءَ مَا حَدَّ رَفَعُ صَوْتِهَا بِالْقِرَاءَةِ وَالتَّكْبِيرِ؟ فَقَالَ الصَّادِقُ (ع) قَدْ رُ ما تُسْمِعُ»^{۲۹} علی بن جعفر از برادرش، امام کاظم (علیه السلام)، درباره‌ی اندازه‌ی بلندکردن صدای زن به هنگام امامت جماعت زنان پرسید، حضرت در پاسخ فرمودند: به اندازه‌ای که صدای او شنیده شود.

ب) روایاتی که بر منع امامت جماعت زنان یا ممنوعیت حضور آنان در جماعت دلالت دارد: از جمله، روایت نبوی‌ای که در کتاب‌های شیعه و اهل سنت تکرار شده است. این روایت بخشی از وصیت و سفارش پیامبر (صلی الله علیه و آله) به حضرت علی (علیه السلام) است: «وَلَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ وَلَا جُمُعَةٌ وَلَا جَمَاعَةٌ»^{۳۰}.

صرف نظر از بحث سندی در این روایت، تذکر این نکته ضروری است که آنچه در این روایت نفی شده است، سیاق واحدی ندارد و برخی از آن‌ها اساساً برای مردان هم واجب نیست؛ از این رو نفی آن از زنان نیز نفی استحباب است؛ مانند هروله، عیادت مریض، استلام حجر الأسود... و در مواردی نیز چیزی نفی شده که انجام آن بر زنان حرام است؛ مانند خروج زن از منزل بدون اذن همسر. بنابراین، گاهی حکم مزبور ترخیصی است و گاهی عزیمتی و الزامی.^{۳۱}

^{۲۷} - همان، ح ۱۰.

^{۲۸} - در علم رجال، درمورد برخی از اصحاب ائمه (علیهم السلام) بین علماء اتفاق نظر وجود دارد مبنی بر اینکه هر روایتی که از آنان به طریق صحیح نقل شده و راویان از اوّل سند تا یکی از آنان مورد اعتماد باشند، آن روایت صحیح است و عمل به آن را لازم می‌شمرند. از این رو باید حدیث اصحاب اجماع را تلقی به قبول کرد، حتی اگر از مجهول یا ضعیف باشد. به همین اعتبار مرسل‌های آنان به منزله‌ی مسندها معتبر است.

^{۲۹} - وسائل الشیعه، ج ۵، ابواب صلاة الجماعة، باب ۲۰، ح ۷.

^{۳۰} - بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۲۶.

^{۳۱} - رخصت یعنی اینکه لزومی ندارد زنان در این گونه امور شرکت کنند، اما اگر شرکت کردند، اشکالی ندارد، ولی اگر عزیمت بود، شرکت کردن آن‌ها جایز نبود.

به هر حال، علت اینکه شرکت زن در نمازهای جمعه و جماعت ضرورتی ندارد، اولاً به دلیل حفظ عفت و پاکدامنی است؛ ثانیاً زن وظایفی در خانه دارد و با توجه به مأموریت تربیت فرزند و سامان بخشی به امور منزل، برخی از اعمال دینی از دوش او برداشته شده است. البته، برداشته شدن این احکام از زنان از باب رخصت است، نه از باب عزیمت. به طور کلی پس از بررسی خواهیم دید که ادله ی جواز ترجیح دارند.^{۳۲}

ارزیابی ادله ی جواز امامت جماعت زن

مرحوم شیخ حرّ عاملی پس از نقل هر دو دسته دلیل، می فرمایند: روایاتی که امامت جماعت زنان را جایز می شمارند صریح تر بوده است و دلالت گویاتری دارند. بنابراین، روایات طرف مقابل را بر این معنا بار می کنیم که حداکثر کراهت امامت جماعت زن را برای زنان ثابت می کنند.^{۳۳} وی می افزاید: علامه در «منتهی» می گوئی: «اعتقاد بر این است روایاتی که امامت زنان را جایز نمی دانند، منصرف بهیچ هستند که احکام نماز و نماز جماعت را نمی شناسد» و البته تعداد آنها در آن عصر کم نبوده است. فرمایش علامه را می توان با این نکته تأیید نمود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از میان زنان به «امّ ورقه» امر کرده است که برای اهل خانه اش نماز بر پا کند و مؤذنی هم برای وی قرار داد. امّ ورقه زنی دارای کمالات علمی و عملی بوده است.

شهید اول در «ذکری» فرموده اند؛ جمع میان روایات این است که بگوییم روایات دسته ی دوم استحباب مؤکد را نفی می کنند، نه مطلق استحباب را.^{۳۴} صاحب حدائق از فاضل خراسانی نیز نقل می کنند که جمع میان ادله به این است که قائل شویم امامت زنان در نمازهای واجب جایز، ولی بهتر این است که

^{۳۲} - گرچه کسانی که اعتضاد روایات به شهرت را نمی پذیرند، این وجه ترجیح را قبول ندارند؛ مانند صاحب مستند الشیعه ر.ک. به: مستند الشیعه، ج

۵، ص ۳۹-۳۷.

^{۳۳} - وسائل الشیعه، ج ۵، انتهای باب ۲۰، از ابواب صلاة الجماعة.

^{۳۴} - الحدائق الناضرة، ج ۱۱، ص ۱۸۸.

ترک شود.^{۳۵} سپس، ایشان در رفع تعارض و تنافی این دو دسته دلیل می‌فرمایند: لازم است ما این چنین جمع کنیم که بگوییم مراد از واژه ی «مکتوبه» که در ادله ی عدم جواز امامت زنان آمده، نماز جماعت واجب است (مثل جمعه و عیدین) و مراد از نافله در ادله ی جواز امامت زنان، نماز جماعت مستحب است (مثل نمازهای یومیه که اقامه به جماعت در آن مستحب است)؛ یعنی مکتوبه و نافله وصف جماعت باشد، نه نماز. بنابراین، روشن خواهد بود که ادله ی مانعه، ناظر به امامت جماعت زنان در جمعه و عیدین هستند که «لا يجوز امامة المرأة فيه اتفاقاً، نصّاً و فتوى».^{۳۶}

این توجیه متین به نظر می‌رسد، ولی ظاهر ادله آن را ثابت نمی‌کند. مکتوبه و نافله بودن ظهور در این دارند که وصف نماز باشند؛ به خصوص که در بعضی ادله، وصف به جای موصوف نشسته است: «ففي المکتوبه»؛ همان‌گونه که در «مستندالشیعه»، مرحوم نراقی نیز جمع فوق را خلاف ظاهر متبادر ادله دانسته‌اند.^{۳۷}

مطلب دیگری در حلّ مشکل و ترجیح ادله ی جواز امامت زنان این است که بگوییم: ادله ی عدم جواز چون موافق قول عامه اند (اهل سنت)، قابل اعتنا نیستند. این سخن، هم در «حدائق»^{۳۸} و هم در «صلاة الجماعة»، از شیخ محمد حسین اصفهانی^{۳۹} ذکر شده است. صاحب حدائق می‌فرماید: باتوجه به آنکه عامه ادله ی عدم جواز را ترجیح می‌دهند، پس ادله ی عدم جواز در مجامع روایی شیعه از باب تقیه صادر شده‌اند. علامه نیز در «منتهی» این وجه را پذیرفته‌اند.^{۴۰}

^{۳۵} - همان.

^{۳۶} - همان، ص ۱۸۹.

^{۳۷} - مستندالشیعه، ج ۵، صلاة الجماعة، ص ۳۲.

^{۳۸} - الحدائق الناضرة، ج ۱۱، ص ۱۹۱.

^{۳۹} - شیخ محمد حسین اصفهانی، صلاة الجماعة، ص ۳۲.

^{۴۰} - منتهی المطلب، ج ۱، ص ۳۶۸؛ البته مرحوم صاحب مستند نمی‌پذیرند که قول منع موافق عامه است؛ زیرا از ائمه ی چهارگانه ی فقه اهل سنت، قول به جواز را نقل می‌کنند. ولی روشن است که جواز با کراهت در کلمات صاحب حدائق ... آمده و ذکر شد که فقهای اهل سنت، یا منع تحریمی دارند یا تنزیهی. بنابراین، شاید ردّ صاحب مستند به کلام محقق و علامه بحرانی وارد نباشد.

در هر حال، ادله‌ی جواز امامت زنان، هم به دلیل اشتهاشان و هم صحت بسیاری از آن‌ها، قابل طرد کلی نیستند و لازم است به گونه‌ای میان هردو دسته جمع نمود. از این رو، غالب کسانی که قائل به منع امامت زنان هستند، در مسئله فتوای صریح نداده‌اند، بلکه احتیاط و به اشکال در مسئله اکتفا کرده‌اند.

دیدگاه علمای عامّه

درباره‌ی امامت جماعت زنان در فقه اهل سنت، فتواهای مختلفی وجود دارد که به اختصار اشاره می‌شود: در «الأمّ»، جواز با کراهت از ائمه‌ی چهارگانه‌ی اهل سنت نقل شده است.^{۴۱} شافعی خود قائل به جواز و از احمد بن حنبل نیز قول به جواز را نقل کرده است. شعبی، نخعی و قتاده قائل به منع امامت جماعت زنان در فرائض‌اند.^{۴۲} صاحب حدائق از کسانی همچون عایشه، عطاء، ثوری، اوزاعی، اسحاق، ابی ثور و احمد (در روایت دیگر) و مالک قول به کراهت را نقل کرده است.^{۴۳}

از مطالبی که درباره «جواز امامت زن برای زنان» یاد شد، درمی‌یابیم که زن می‌تواند در مسجد و یا هر مکان دیگر امام جماعت زنان باشد و مانعی از این جهت نیست. چنان که فتوای مشهور فقهاء نیز مؤید آن است.

ب: زن و تبلیغ در مسجد

زندگی هجده ساله حضرت زهرا (سلام الله) پر از افتخارات منحصر به فردی است که در زندگی بانوان دیگر یافت نمی‌شود. او شخصیت ممتازی است که در تمام میدان‌های علمی، اخلاقی، عبادی، اجتماعی و سیاسی جزو پیشتازان و بلکه در صدر زنان عالم خلقت بوده است. ایشان در سن پنج سالگی با فریاد کشیدن علیه مشرکان و کفر مکه به حمایت از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شتافت. پیوسته، او از پدر حمایت و دفاع کرد؛ به‌ویژه در همان سال‌هایی که حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله) با کفار قریش به جنگ برخاسته بود.

^{۴۱} - امام شافعی، الأمّ، ص ۱۶۴.

^{۴۲} - المغنی، ج ۲، ص ۳۶.

^{۴۳} - الحدائق الناضرة، ج ۱۱، ص ۱۹۲. البته در برخی کتب از عایشه روایاتی نقل شده مبنی بر اینکه امّ سلمه امامت جماعت زنان را برعهده داشتن د. رک. به: الجامع فی فقه النساء از شیخ کامل، محمد محمد عریضه.

پس از درگذشت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، او نخستین پشتیبان و مدافع ولایت و رهبری امیر مؤمنان (علیه السلام) بود و در مدت کوتاهی که پس از پدر زنده بود، هرگز آرام ننشست و به شیوه‌های گوناگون پیام مظلومیت امام علی (علیه السلام) را به آیندگان منتقل کرد و در این راستا آسیب‌های فراوانی نیز متحمل شد که در تاریخ ثبت و ضبط است.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای دفاع از حق خویش (فدک) و دفاع از حقانیت ولایت امام علی (علیه السلام) به مسجد آمدند^{۴۴} (البته با حفظ کامل حجاب) و سخنرانی مشهور خود (خطبه‌ی فدکیه) را در محاجّه با ابوبکر عنوان کردند،^{۴۵} به طوری که ابوبکر مجبور شد قبale‌ی فدک را به او برگرداند (هرچند توسط عمر پس گرفته شد). ایشان آنجا که حضور در جمع مسلمانان را به مصلحت جامعه می‌دید، به خطبه و خطابه می‌پرداخت و گاه در مسجد النبی (ص)، زمانی در کوچه و بازار و موقعی در جمع زنان مهاجر و انصار، به نکوهش مهاجمان، غاصبان و بیعت‌شکنان می‌پرداخت.^{۴۶} آنجا که صراحت و شفافیت در سخن را ضروری می‌شمرد، او دست به افشای خط نفاق و شرک می‌زد و در گفتار و رفتار خویش، شیوه‌هایی شایسته برای پیکار با منحرفان از خط ولایت و امامت را ترسیم می‌نمود تا امروز و فردای جامعه‌ی خود را هوشیار و بیدار سازد.

در تاریخ خونبار تشیع، در مورد حضرت زینب (سلام الله علیها) آمده است: «خطبه‌ی کوبنده‌ی سفیر کربلا در مسجد اُموی، چنان اوضاع مجلس آراسته یزید و او را آشفته کرد که یزید دچار سردرگمی شد و ترسید با افشاگری‌های دختر علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) پایه‌های حکومتش دچار تزلزل شود. ترس زمانی بیشتر شد که حضرت زینب (س) در مسجد شام آن‌گاه که امام سجاد (علیه السلام) مشغول ایراد خطبه‌ی افشاگرانه‌ی خود

^{۴۴} - شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۱؛ كشف الغمّة، الطبعه الثانيّة، ص ۱۰۲: «روى عن الأصغر بن نباتة قال: سمعت أمير المؤمنين (ع) يقول: والله لأتكلمن بكلام لا يتكلّم به غيري إلاّ كذاب. ورثت نبي الرحمة و زوجتي خير نساء الأُمّة و أنا خير الوصيين. و حيث يقتضى ذكرها (عليهم السلام) ذكر شيء من كلامها فلا بدّ من ذكر فدك إذ كانت خطبتها التي تحيّر البلاء و تعجز الفصحاء بسبب منعها من التصرف فيها وكف يدها (عليهم السلام) عنها.

^{۴۵} - رياحين الشريعة، ج ۱، ص ۳۱۹؛ صحيح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۲.

^{۴۶} - اعيان الشيعة، ج ۱، ص ۳۱۷؛ رياحين الشريعة، ج ۱، ص ۳۳۷؛ احتجاج طبرسي، ص ۱۰۶.

بود، با فریادهای رسا آن امام را یاری کرد ...»^{۴۷} شگفت آنکه همین بانوی بزرگوار برای اینکه نامحرمی ایشان را نبیند، شبانه به زیارت قبر جدش، رسول الله (صلی الله علیه و آله) می‌رفت؛ درعین حال وقتی که اسلام در خطر می‌افتد، همراه برادر به میدان کربلا آمد و در بازار کوفه، مسجد اموی شام و مجلس یزید آن گونه آتشین سخنرانی کرد.^{۴۸}

براین اساس، زنان مسلمان می‌توانند با رعایت شئون اسلامی در مساجد یا حتی در دیگر اجتماعات، با تأسی از الگوهای رفتار دینی در تبلیغات و ارشاد هموعان نقش داشته باشند؛ به‌ویژه در این برهه از زمان که بحران‌های فرهنگی تحمیل شده از سوی دشمنان در صدد تهی کردن انسان‌ها، به‌خصوص بانوان، از معنویت و ارزش‌های اسلامی است. بانوان تحصیل‌کرده و آموزش‌دیده می‌توانند در میان افراد جامعه خصوصاً زنان (باتوجه به ویژگی‌های مخاطب‌شناسی و پیام‌رسانی و نیازسنجی) پیام دین را تبلیغ کنند و مبانی اعتقادی دختران جوان و دانشجویان را مستحکم نمایند.

امام خمینی (قدس سره) گستره فعالیت‌های تبلیغی زنان را نه تنها در همه کشور، بلکه در خارج از کشور نیز می‌دانست: «امروز این‌ها (بانوان) می‌توانند با حفظ همه جهات اسلام در همه‌جای کشور تبلیغات بکنند، بلکه در خارج از کشور هم ...»^{۴۹}. حضور فعال زنان در عرصه‌ی امریه معروف و نهی از منکر نمونه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی زنان است که فرصتی مناسب برای احیای شخصیت زنان و حراست از کرامت آنان به شمار می‌رود. وظیفه‌ای که قرآن صراحتاً به ایشان داده است.^{۵۰}

ج: زن و نظافت مسجد

باتوجه به جایگاه رفیع مسجد در فرهنگ اسلامی و نقش محوری آن در میان مسلمانان و اینکه در قرآن و حدیث مسجد خانه‌ی خدا خوانده شده است، رعایت حرمت آن بر همه واجب است. امام صادق (علیه السلام)

^{۴۷} - منصوری لاریجانی، زینب کبرا (ع) فریادی به اعصار، ص ۱۸۵.

^{۴۸} - أبو مخنف الازدی، مقتل الحسین (علیه السلام)، ص ۲۰۵ و ص ۲۲۶؛ شیخ طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی ج ۱، ص ۴۷۱؛ سید بن طاووس

حسنی، اللہوف فی قتلی الطفوف، ص ۸۶.

^{۴۹} - صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۹۹.

^{۵۰} - سوره ی توبه، آیه ی ۷۰.

می‌فرماید: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْمَسْجِدَ».^{۵۱} از رحمت خدا دور است کسی که حرمت مسجد را پاس ندارد. از این رو، مساجد احکام مخصوصی دارند که مهم‌ترین آن‌ها وجوب تطهیر فوری و رعایت نظافت مسجد است. در فقه شیعی، جارو کردن و جمع کردن خاکروبه از مسجد عملی مستحب است که پاداش فراوانی دارد.^{۵۲} در منابع روایی شیعه و سنی، پاداش‌هایی برای این عمل ذکر شده است؛ همچون ثواب آزاد کردن بنده،^{۵۳} برخورداری از رحمت مضاعف خداوند.^{۵۴}

در این عمل بافضیلت، بانوان هم می‌توانند با حفظ شئون اسلامی شرکت کنند. چنان‌که در تاریخ آمده است: زن مسلمان سیاه‌پوستی به نام «مَحْجَنَه» (امّ محجن)، در صدر اسلام، خادم و نظافتچی مسجد پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بوده است. ابوسعید می‌گوید: شبی، زنی سیاه‌چرده که مسجد را جارو می‌کرد از دنیا رفت. روز بعد، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را از مرگش با خبر ساختند، فرمود: چرا مرا از مرگ او آگاه نکردید؟ آن‌گاه آن حضرت با اصحابش بر قبر او حاضر شدند. حضرت کنار قبر ایستاد و تکبیر فرمود و درحالی‌که مردم نیز پشت سرش بودند بر او نماز گزارد و برای او دعا کرد.^{۵۵} طبق برخی روایات، حضرت فرمود: اینک او را در بهشت می‌بینم.^{۵۶} از این روایت، افزون‌براینکه به اهمیت نظافت مسجد و فضیلت آن پی می‌بریم، درمی‌یابیم که زنان نیز می‌توانند در امر نظافت و بهداشت مسجد سهیم باشند و متصدی نظافت امور خانه‌ی خدا (مسجد) گردند.

^{۵۱} - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۴؛ جامع الاحادیث، ج ۴، ص ۴۵۲؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۰۰.

^{۵۲} - جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۸۷؛ روض الجنان، ص ۲۳۵؛ مدارک الاحکام، ج ۴، ص ۳۹۷.

^{۵۳} - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۹، ح ۶۴۳۸.

^{۵۴} - همان.

^{۵۵} - صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۸، و ج ۲، ص ۹۲؛ عون المعبود، ج ۲، ص ۹۱.

^{۵۶} - اسدالغابه، ج ۵، ص ۶۱۷.

فصل دوم

برگزاری مراسم عقد ازدواج در مساجد

خداوند متعال همه ی مساجد را به عنوان خانه های خود در روی زمین معرفی فرموده است : «مساجد، خانه های من در روی زمین هستند»^{۵۷}، «مساجد از آن خداست»^{۵۸} همچنین، خداوند متعال مساجد را محل ملاقات خود قرار داده است : «خوشا به حال بنده ای که در خانه اش وضو بگیرد و مرا در مسجد زیارت کند.»^{۵۹} حال که مسجد این اندازه قداست دارد و منبع فیوضات معنوی است، آیا شایسته نیست پیوند مقدس ازدواج میان زن و مرد مسلمان که در قرآن کریم میثاقی محکم^{۶۰} خوانده شده و موجب حفظ دین است،^{۶۱} در این مکان مقدس برگزار گردد؟

عقد ازدواج علی و فاطمه (علیها السلام) در مسجد

زمانی که دختر گرامی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آستانه ی ازدواج قرار گرفت، افراد مختلفی از بزرگان و چهره های سرشناس از ایشان خواستگاری کردند. برخی شان با ملاک های جاهلیت (که موقعیت اجتماعی و اقتصادی شوهر و ثروت زیاد و مهریه ی سنگین را علّت برتری و افتخار می دانستند) به خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می رسیدند و از ایشان درخواست می کردند که افتخار پیوند با خاندان رسالت را به آن ها بدهد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به همه ی آن ها جواب رد می داد و در برابر خواسته آن ها می فرمود: «أمره إلی ربّها»، امر ازدواج فاطمه (سلام الله علیها) با پروردگار اوست، نه پدرش.^{۶۲} پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) درباره ی انتخاب همسر برای دخترش، مأموریتی الهی بر دوش داشت، چنان که فرمود: «أتانی ملکٌ فقال: یا محمد! إنّ الله یقرأ علیک السلام و یقول لک: إنّی قد زوجتُ ابنتک من علی بن ابی طالب فی الملاء الاعلی، فزوجها منه فی

^{۵۷} - «إنّ بیوتی فی الأرض المساجد». وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۷.

^{۵۸} - «و ان المساجد لله». سوره ی جن، آیه ی ۱۸

^{۵۹} - «ال طوبی لعبد توضع فی بیته ثم زارنی فی بیتی». وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸.

^{۶۰} - سوره ی نساء، آیه ی ۲۰

^{۶۱} - قال (ص): «من تزوّج احرز نصف دینه». وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷، ح ۱۱.

^{۶۲} - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۴.

الارض».^{۶۳} فرشته‌ای از سوی خدا نزد من آمد و گفت: ای محمد! خداوند بر تو درود می‌فرستد و می‌گوید: من دخترت فاطمه را در آسمان‌ها به همسری علی بن ابی‌طالب درآوردم، تو در زمین او را به ازدواج وی درآور.

پس از مراسم خواستگاری امام علی (علیه السلام)، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: یا علی تو زودتر از من به مسجد برو، تا در حضور مردم مراسم عقد را برگزار کنیم و خطبه بخوانیم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شادمان به مسجد تشریف آورد، و به بلال فرمودند: مهاجر و انصار را در مسجد جمع کن. هنگامی که مردم جمع شدند، حضرت (صلی الله علیه و آله) بر بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «ای مردم! آگاه باشید که جبرئیل امین بر من نازل شد و از جانب خدا پیام آورد که مراسم عقد ازدواج علی و فاطمه (علیهما السلام) در عالم بالا و در حضور فرشتگان برگزار شده است و دستور داده‌اند که در زمین نیز آن مراسم را انجام دهم و شما را بآن گواه گیرم.»

سپس حضرت (صلی الله علیه و آله) نشست و به علی فرمود: برخیز و خطبه عقد را بخوان. امام علی (علیه السلام) برخاست و فرمود: «خدا را بر نعمت‌هایش سپاس می‌گویم و شهادت می‌دهم که به غیر از او خدایی نیست؛ شهادتی که مورد پسند و رضایت او واقع شود. درود بر محمد (صلی الله علیه و آله)، درودی که مقام و درجه‌اش را بالا برد. ای مردم! خدا ازدواج را برای ما پسندیده و بدان امر نموده است. ازدواج من و فاطمه را خدا مقدّر کرده، بدان امر نموده است. ای مردم! رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، فاطمه (سلام الله علیها) را به عقد من درآورد و زرهام را از بابت مهریه قبول کرد، از ایشان بپرسید و گواه باشی».

مسلمانان به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) عرض کردند: «یا رسول الله! فاطمه را با علی کابین بسته‌ای؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پاسخ دادند: آری. سپس، تمام حضار دست به دعا برداشته و گفتند: خدا این ازدواج را بر شما مبارک گرداند و در میان شما دوستی و محبت افکند.^{۶۴} آن‌گاه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) عروس و

^{۶۳} - ذخایر العقبی، ص ۳۱.

^{۶۴} - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲.

داماد را به مسجد فراخواندند و دست فاطمه (سلام الله علیها) را در دست امام علی (علیه السلام) گذاشتند و برای آن دو دعا کردند».^{۶۵}

دیدگاه فقیهان درباره‌ی ازدواج در مسجد

دیدگاه فقهای اسلام درباره‌ی برگزاری مراسم عقد ازدواج در مسجد متفاوت است. برخی از کتاب‌های فقهی اهل سنت اجرای «عقد ازدواج» در مسجد را امری مستحب دانسته و در این باره، حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل کرده‌اند.^{۶۶} اما برگزاری مراسم عقد ازدواج در مسجد، به عنوان مستحب شرعی، نزد فقهای شیعه ثابت نیست.^{۶۷} البته، ناگفته پیداست که اگر برگزاری مراسم عقد ازدواج در مسجد به گونه‌ای مزاحم نمازگزاران یا همراه با اموری باشد که با شأن و منزلت والای مسجد سازگاری نباشد، بی‌تردید، جایز نیست.^{۶۸} ولی اگر برگزاری جشن عقد ازدواج در مسجد با برپایی مجلس رقص و آواز نباشد و فقط خطبه‌ی عقد ازدواج خوانده شود و به همراه پند و اندرز باشد^{۶۹} و شأن و منزلت مسجد رعایت شود و با هماهنگی مسئولان مسجد باشد، امری پسندیده است و به برکت حضور در خانه‌ی خدا آثار معنوی در پی خواهد داشت.

برگزاری مجلس سوره‌ی عروسی (ولیمه) در مسجد

در مورد اصل جواز غذادادن، یعنی اطعام در مسجد باید گفت که با توجه به آیات و روایات^{۷۰، ۷۱، ۷۲}، غذادادن و غذاخوردن در مسجد در صورتی که ایجاد مزاحمت برای نمازگزاران نکند، مانعی ندارد؛ اما بر بنیان مجلس و شرکت‌کنندگان لازم است بهداشت و نظافت و حرمت مسجد را رعایت کنند.

^{۶۵} - همان، ص ۱۱۶.

^{۶۶} - سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۹۹؛ اعلام الساجد باحکام المساجد، ص ۳۶۰.

^{۶۷} - جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

^{۶۸} - سیمای مسجد، ج ۱، ص ۳۳۶.

^{۶۹} - توضیح المسائل، مسئله ۹۱۴.

^{۷۰} - بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۹.

^{۷۱} - الکافی، ج ۲، ص ۱۲۲.

یکی از رسوم و سنت‌های اسلامی «ولیمه‌دادن» است. «ولیمه» یعنی دعوت عده‌ای از مؤمنان به میهمانی صرف غذا. ولیمه و میهمانی کینه‌ها را می‌زداید و دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند، به‌ویژه اگر دور از تشریفات و زیاده‌روی و اسراف باشد.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «لَا وَلِيمَةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ: فِي عُرْسٍ، أَوْ خُرْسٍ، أَوْ إِعْذَارٍ، أَوْ وَكَارٍ، أَوْ رِكَازٍ، فَالْعُرْسُ: التَّزْوِيجُ، وَالْخُرْسُ: النَّفَاسُ بِالْوَلَدِ، وَالْإِعْذَارُ: الْخِتَانُ، وَالْوَكَارُ: الرَّجُلُ يَشْتَرِي الدَّارَ، وَالرِّكَازُ: الرَّجُلُ يَقْدُمُ مِنْ مَكَّةَ»^{۷۳}؛ ولیمه فقط در پنج چیز است: ازدواج، تولد فرزند، ختنه سوری، خرید خانه و بازگشت از سفر مکه.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هنگام ازدواج علی (علیه‌السلام)، دستور فرمودند که سفره‌ای در مسجد بگسترانند و همه‌ی مسلمانان را اطعام نمایند.^{۷۴} در شب عروسی، پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: یا علی به احترام همسرت غذائی عالی تهیه کن و آن‌گاه فرمود: گوشت و نان از ما و خرما و روغن از تو.^{۷۵} مسلمانان به دعوت آن حضرت به مسجد آمدند و در کنار رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) غذا خوردند.^{۷۶}

با امعان نظر در سیره نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) درمی‌یابیم که برگزاری سور عروسی (ولیمه) در مسجد جائز است. بر همین اساس، برخی از فقها اجازه‌ی ولیمه عروسی را داده‌اند و فرموده‌اند: «غذا دادن به مهمانان در مسجد، به خودی‌خود اشکال ندارد ...».^{۷۷} دلیلی بپایان برگزاری سور عروسی (ولیمه) در مسجد وجود ندارد، مگر اینکه شرکت کنندگان اعمالی انجام دهند که مخالف شرع مقدس باشد؛ مثلاً مرتکب محرمات

^{۷۲} - همان، ج ۶، ص ۲۸۱.

^{۷۳} - مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۰۵-۴۰۶؛ مستدرک الوسائل، باب نکاح، فصل ۳۱.

^{۷۴} - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۴.

^{۷۵} - امالی شیخ طوسی، ص ۴۲.

^{۷۶} - مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۳.

^{۷۷} - احکام مسجد، ص ۱۱۲، س ۱۸۹، به نقل از آیت ا... خامنه‌ای، «اجوبه الاستفتائات»، ج ۱، ص ۱۲۰، س ۴۰۶: س (۱۹۰): در برخی مناطق، به ویژه در روستاها، مجالس عروسی را در مساجد بر پا می‌کنند، یعنی مجلس رقص و غنا را در خانه برگزار می‌کنند، ولی نهار یا شام را در مسجد می‌دهند، آیا این کار شرعاً جایز است یا نه؟

جواب: غذا دادن به میهمانان، در مسجد، به خودی‌خود اشکال ندارد، ولی بر پا کردن مجالس عروسی در مساجد، مخالف جایگاه اسلامی مسجد است و جایز نمی‌باشد و ارتکاب محرمات شرعی از قبیل غنا و موسیقی لهوی مطرب، حرام است مطلقاً.

شرعی از قبیل غنا و موسیقی لهوی و مطرب شوند؛ این امور از مصادیق هتک حرمت مسجد و براساس آیات و روایات، از گناهان کبیره است. امام خمینی (قدس سره) در این باره فرموده‌اند: «اگر مزاحمتی با نمازگزاران و شئون مسجد نداشته باشد، مانع ندارد.»^{۷۸}

به هر روی، سیره‌ی نبوی و شواهد تاریخی صدر اسلام نشان می‌دهد که در شریعت اسلام، مسجد جایگاهی برای عقد ازدواج بوده است. متأسفانه، امروزه، کمتر از این امر استقبال می‌شود که یا به دلیل ناآشنایی خانواده‌ها است یا به سبب ناتوانی حمایت دولت در فرهنگ‌سازی و اجرای این سیره. این کار به فرهنگ‌سازی نیاز دارد تا به صورت اصولی این فرهنگ در میان مردم نهادینه شود و آن‌ها با سهل و ساده برگزارکردن مراسم و انتخاب مسجد به عنوان جایگاه عقد، علاوه بر محکم شدن پایه‌های زندگی، پایه‌های ایمانی و دینی خانواده‌ی جوان را نیز فراهم کنند. البته، ناگفته نماند که مراسم عروسی با عقد ازدواج متفاوت است. می‌توان ازدواج که سنتی الهی است را با سلام و صلوات در مسجد برگزار کرد؛ اما جشن عروسی که احتمال پایکوبی و سرور خارج از محدوده در آن وجود دارد، باید در خارج از مسجد برگزار شود. بنابراین، امری بسیار پسندیده است که مساجد علاوه بر داشتن مکانی برای مشاوره رایگان، از دفاتر عقد نیز بخواهد که خطبه را در مسجد بخوانند تا علاوه بر احیای سنت زیبای محمدی (صلی الله علیه و آله)، فرهنگ ازدواج هم تغییر یابد.

فصل سوم

احکام فقهی حضور زنان در مساجد

الف: توقف و عبور زنان حائض، نفساء، مستحاضه و جُنُب در مساجد

حیض و نفاس و استحاضه، حالت‌های ویژه‌ای است که خدای متعال از نظر تکوین و آفرینش برای زنان قرار داده است. این حالت‌ها برای طهارت و بهداشت بیشتر آنان و آمادگی برای عهده‌داری وظیفه‌ی سنگین مادری و عوارض موقت پس از آن برمی‌گردد. به‌طور کلی، زنان و دخترانی را که غالباً در هر ماه و در

^{۷۸} - سیمای مسجد، ج ۱، ص ۳۳۷، به نقل از: استفتانات منتشر نشده از امام خمینی (ره).

وقتی مخصوص از آنان خون خارج می شود «حائض» گویند و هر خونی را که در آغاز زایمان تا ده روز از زن خارج می شود «نفاس» و زن را در این حال، «نفساء» می گویند.^{۷۹} به دلیل آنکه در حال حیض و نفاس بودن، نوعی آلودگی محسوب می شود و مسجد جایگاه عبادت و متعلق به ذات خدای متعال است، توقف حائض و نفساء در آن مکان شریف حرام است؛ ولی اگر مسجد دارای دو در باشد و این افراد از یک در داخل و از در دیگری خارج شوند، اشکال ندارد. مگر «مسجدالحرام» و «مسجدالنبی» که انجام همین امر هم حرام است. دلیل این حکم را صاحب جواهر اجماع فقهای عظام می داند.^{۸۰}

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: رفتن به مسجد برای جنب و حائض حرام است.^{۸۱}

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «اگر مردی در مسجدالحرام یا مسجد پیامبو به خواب رود و جنب شود، باید تیمم کند و با تیمم از مسجد خارج گردد و سپس غسل کند. همین طور اگر زنی در این دو مسجد حیض شود، این گونه عمل کند. اما در غیر از این دو مسجد، بدون تیمم هم می تواند خارج گردد».^{۸۲}

بنابر مذاهب چهارگانه ی اهل سنت نیز ماندن زن حائض در مسجد بدون ضرورت حرام است. عبور زن حائض از مسجد نزد حنفی ها و مالکی ها حرام است؛ اما نزد شافعی ها و حنبلی ها عبورشان جائز است، در صورتی که مطمئن باشد سبب آلودگی مسجد نمی شود. حنفی ها و مالکی ها در موارد ضروری توقف زن حائض را در مسجد جائز دانسته اند؛ مثلاً آنجایی که مکان امنی برای خود نیابد یا بیرون از مسجد جنگ باشد و ترس از کشته شدن یا زخمی شدن داشته باشد.

«استحاضه» یکی از خون هایی است که از زن خارج می شود و بیشتر اوقات زردرنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید؛ اگرچه گاهی ممکن است این علائم را نداشته باشد.^{۸۳} زن را در موقع دیدن این خون «مستحاضه» می گویند. در هنگام دین این خون، زنان احکام متفاوتی دارند که تفصیل

^{۷۹} - رک: عروه الوثقی، ج ۱، ص ۳۱۵ به بعد؛ تحرالوسیله، ج ۱، ص ۴۴ به بعد و توضیح المسائل امام خمینی (ره)، ص ۵۶، مسئله ۴۳۴ به بعد.

^{۸۰} - جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۲۰.

^{۸۱} - کنز العمال، ج ۷، ص ۶۶۸.

^{۸۲} - الکافی، ج ۳، ص ۷۳، ح ۱۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۱۲۸۰.

^{۸۳} - امام خمینی (ره)، رساله توضیح المسائل، ص ۵۶، مسئله ۴۳۴ به بعد.

آن در رساله های عملیه و کتب فقهی آمده است، ولی درباره ی حضور زنان مستحاضه در مسجد، طبق فتاوی علمای و فقها، باید گفت : اقوا آن است که توقف زن مستحاضه در همه ی مساجد و همچنین داخل شدن به مسجد الحرام و مسجد النبی جائز است؛ اما اگر بدون غسل وارد شود، احوط آن است که از اقامه ی نماز خودداری کند.^{۸۴}

شخص جنب - زن یا مرد - نباید به مسجد وارد شود. در غیر از مسجد الحرام و مسجد النبی، اگر مسجد دو در داشته باشد، شخص جنب می تواند از یک در داخل و از در دیگری خارج شود. در این دو مسجد شریف، اگر انسان بخوابد و جنب شود باید بی درنگ تیمم بدل از غسل جنابت کند و از مسجد خارج شود.^{۸۵} مستند این حکم، از سوی فقها، این آیه ی شریفه است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا...»^{۸۶}؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا این که بدانید چه می گوئید و در حال جنابت نیز تا آن گاه که غسل نکرده اید به نماز نزدیک نشوید، مگر این که بدون نشستن عبور کنید. همچنین، استنادشان به روایاتی است که در ذیل آیه وارد شده اند.^{۸۷}،^{۸۸} افزون بر این، فقهای عظام به چندین روایت دیگر نیز استناد کرده اند.^{۸۹}

به طور کلی، از موارد حرمت دخول مسجد برای افراد جنب، دو مورد استثنا شده است:

الف) اگر جنب متوجه شود مسجد به نجاست آلوده شده است، چنانچه بتواند بدون توقف در مسجد و در حال عبور، نجاست را برطرف کند، باید فوراً به تطهیر مسجد اقدام نماید؛ ولی اگر تطهیر مسجد ممکن

^{۸۴} - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۰، مسئله ۸ از «فصل فی الاستحاضه».

^{۸۵} - مستند الشیعه، ج ۲، ص ۲۹۱؛ جواهر الکلام، ج ۳، ص ۴۹؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۸.

^{۸۶} - سوره ی نسا، آیه ی ۴۰.

^{۸۷} - تفسیر مجمع البیان ج ۳، ص ۸۱.

^{۸۸} - جواهر الکلام، ج ۳، ص ۴۹.

^{۸۹} - الکافی، ج ۳، ص ۵۰؛ و نیز ج ۳، ص ۷۳؛ ح ۱۴؛ التهذیب، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲۵.

نباشد، مگر اینکه با حالت جنابت داخل مسجد شود، جایز بلکه واجب است با هم آن حال جنابت به تطهیر مسجد اقدام کند.^{۹۰}

ب) اگر کسی جنب باشد اما آبی که می‌خواهد با آن غسل کند در مسجد باشد و آب دیگری هم در دسترس نباشد و به دست آوردن آب جز از راه داخل شدن به مسجد ممکن نباشد، باید تیمم کند و برای برداشتن آب یا غسل، داخل مسجد شود. این تیمم تا پس از خروج از مسجد باقی است.^{۹۱}

ب: اعتکاف زن در مسجد

اعتکاف به معنای گردهمایی مؤمنان در مسجد است. آن‌ها چند روز از عیش و معیشت روزانه جدا می‌شوند و برای تقرب به خدا می‌کوشند. امام خمینی (قدس سره) در تعریف اعتکاف می‌گویند: «وَهُوَ اللَّكْبُثُ فِي الْمَسْجِدِ بِقَصْدِ التَّعَبُّدِ بِهِ وَلَا يُعْتَبَرُ فِيهِ ضَمُّ قَصْدِ عِبَادَةٍ أُخْرَى خَارِجَةً عَنْهُ وَإِنْ كَانَ هُوَ الْأَحْوَطُ»،^{۹۲} اعتکاف، ماندن در مسجد به نیت عبادت است و قصد عبادت دیگر، در آن معتبر نیست. اگرچه احتیاط مستحب نیت عبادتی دیگر در کنار اصل ماندن می‌باشد.

اعتکاف عبادتی همگانی است و حتی شامل زنان و کودکان ممیز^{۹۳} نیز می‌شود و آن‌ها هم می‌توانند از این چشمه ی جوشان فیض الهی و از این فرصت استثنایی بهره ببرند. از قرآن کریم استفاده می‌شود که وقتی حضرت مریم (سلام الله علیها) با فرشته‌ی الهی ملاقات کرد، از مردم به دور بود و در خلوت (بیت المقدس) به سر می‌برد^{۹۴} علامه ی طباطبایی در «المیزان» این دوری حضرت را به اعتکاف و عبادت تفسیر می‌کند.^{۹۵}

روایات اسلامی نیز مؤید بر حضور زنان معتکف در مسجد است:

^{۹۰} - العروة الوثقی، ج ۱، ص ۸۷-۸۸، مسئله ۱۴.

^{۹۱} - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۹، مسئله ۲.

^{۹۲} - همان، ص ۳۰۴، خاتمه فی اعتکاف.

^{۹۳} - ممیز: کسی که قدرت تمییز دارد؛ یعنی قدرت تشخیص خیر و شر، و دفع و ضرر. چنین کسی را در صورتی که به سن کبر (بزرگ‌سالی) نرسیده باشد، ممیز می‌نامند. (محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۶۸۸، ش ۵۵۱۲).

^{۹۴} - «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّخَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا، فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا.» مریم/۱۶ و ۱۷.

^{۹۵} - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۴-۳۵.

در سنن ابی داود آمده است: زنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گاه همراه با آن حضرت در مسجد معتکف می شدند.^{۹۶}

در سنن بیهقی آمده است: پس از وفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز بعضی از زنان آن حضرت به اعتکاف در مسجد اهتمام داشتند.^{۹۷}

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «اعتکاف در مسجد الحرام یا مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) یا مسجد جامع هر شهری منعقد می شود و سزاوار نیست که معتکف از مسجد خارج شود؛ مگر اینکه ضرورت باشد، [که باید] پس از پایان کارش بدون اینکه در جایی بنشیند، به مسجد برگردد. در ادامه حدیث می فرماید: «و اعتکاف زن مانند مرد است.»^{۹۸}

همچنین، در روایتی از آن حضرت (علیه السلام) آمده است: «اگر زنی که در حال اعتکاف است، [به واسطه ی حیض] از نماز بازماند و از مسجد بیرون رود و دوباره پاک شود، شایسته نیست همسرش با او نزدیکی کند تا اینکه به مسجد بیاید و اعتکاف خود را به پایان برساند»^{۹۹}

با توجه به مطالب یاد شده اگر کسی بگوید که برخی از فقها «خانه» را مسجد زن می دانند،^{۱۰۰} پس اعتکاف او نیز باید در خانه باشد، می گوئیم: اولاً، ارتباط اعتکاف و مسجد رابطه ای تفکیک ناپذیر است؛ زیرا از نظر مکان اعتکاف محدودیت هایی وجود دارد و نظریه ی معروف آن است که این عمل مستحبی باید در یکی از مساجد چهارگانه^{۱۰۱} انجام گیرد و گروهی از فقها انجام آن را در مساجد جامع هر شهر و منطقه جایز دانسته اند؛ پس اعتکاف زنان نیز باید در مسجد باشد. ثانیاً، این برداشت که اعتکاف زن در خانه باشد،

^{۹۶} - سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۳۴، کتاب الصوم، باب الاعتکاف، شماره ۲۴۷۸.

^{۹۷} - سنن بیهقی، ج ۴، ص ۳۱۵.

^{۹۸} - الکافی، ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۲ و ص ۱۷۷، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۰۸، باب ۷ از کتاب اعتکاف، ح ۲.

^{۹۹} - التهذیب، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۲۴۰؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۳۸۸.

^{۱۰۰} - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۰۹.

^{۱۰۱} - اعتکاف را می توان در مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد بصره انجام داد. در مسجد جامع هر شهر نیز می توان اعتکاف کرد (البته با قصد رجاء).

مبتنی بر قیاس است که در فقه پویای شیعه جایگاهی ندارد؛ ازاین رو، هیچ یک از فقهای شیعه اعتکاف زن را در خانه جایز نمی‌دانند.^{۱۰۲}

مرحوم صاحب جواهر می‌نویسد: در عبادت اعتکاف، زنان و مردان مساوی هستند و در این مسئله میان علمای امامیه اختلافی نیست؛ بلکه ممکن است بر این مسئله تحصیل اجماع کرد. همان‌گونه که صاحب حدائق^{۱۰۳} در این مسئله ادعای اجماع کرده است؛ زیرا اصل، اشتراک زن و مرد است.^{۱۰۴} براین اساس جنسیت جنسیت در این امر دخالتی ندارد. البته، شرکت زنان شوهردار در اعتکاف باید با رضایت و اذن شوهر باشد.

ج: اذن شوهر در خروج از منزل

براساس اصل برائت و اباحه اعمال و در راستای آزادی و کرامت زن و برابری انسان‌ها، خروج زن از منزل برای حضور در عرصه‌های اجتماعی و معاشرت وی، بدون آنکه مقارن با مفسده‌ای باشد، باید عملی روا و جائز تلقی شود؛ اما باتوجه به حقوق شوهر و تکالیف متقابل زن، به ویژه تمکین او در برابر استمتاع شوهر و نیز با در نظر گرفتن مصالح خانواده و مسئولیت شوهر در حفظ و صیانت زن، این حق زن با اشکالات و ابهاماتی مواجه شده است. که در اینجا به اختصار به تشریح آن می‌پردازیم.

در منابع روایی اصیل اسلامی، احادیث و روایات متعددی بر این مطلب تصریح دارد و فقهای عظام نیز بدان فتوا داده‌اند. به جهت اختصار، به ذکر چند روایت بسنده می‌کنیم:

۱- علی بن جعفر عن اخیه قال: «وَسَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ أَلَهَا أَنْ تَخْرُجَ بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا؛ قَالَ لَا»^{۱۰۵} از

برادر، موسی بن جعفر (علیه السلام)، پرسیدم: آیا زن می‌تواند بدون اذن شوهر از خانه خارج شود؟ حضرت (علیه السلام) فرمود: خیر.

^{۱۰۲} - جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۷۴.

^{۱۰۳} - الحدائق الناظرة، ج ۱۳، ص ۴۶۸.

^{۱۰۴} - جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۷۴.

^{۱۰۵} - وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۳، ح ۵.

۲- عن جعفر عن ابیه... «أُيِّمًا امْرَأَةً خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَلَا نَفَقَةَ لَهَا حَتَّى تَرْجِعَ»^{۱۰۶}

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر زنی که بدون اذن شوهر از خانه خارج شود، حق نفقه ندارد تا برگردد.^{۱۰۷}

۳- امام صادق (علیه السلام) فرمود: «زنی نزد رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) رسید و عرض کرد: ای رسول خدا!

حق شوهر چیست؟ پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: بیش از آن است که تصور شود. گفت: برخی از آن را

بیان فرما. حضرت (صلی الله علیه وآله) فرمود: زن نمی تواند بدون اذن شوهر روزی مستحبی بگیرد و نمی تواند بدون

اذن از خانه خارج شود...»^{۱۰۸}

۴- در روایتی معتبر از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: زنی نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله) عرض

کرد: ای رسول خدا! حق شوهر بر زنش چیست؟ حضرت (صلی الله علیه وآله) فرمود: اینکه از شوهر اطاعت کند و

نافرمانی نکند... و بدون اذن او از خانه خارج نشود و اگر بدون رضایت شوهر از خانه بیرون رود،

فرشتگان آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت او را لعنت و نفرین می کنند، تا زمانی که برگردد.^{۱۰۹}

نظر فقیهان شیعه

در فقه پویای امامیه، نظریه ی مشهور فقهای عظام بر این است که زن برای خروج از منزل شوهر، باید

رضایت شوهر را جلب کند و شوهر حق دارد که از بیرون رفتن زن منع کند. شیخ طوسی^{۱۱۰}، شهید ثانی^{۱۱۱}،

مرحوم محمد باقر سبزواری^{۱۱۲} و مرحوم صاحب جواهر^{۱۱۳} چنین عقیده ای داشته اند. همچنین، امام

خمینی (قدس سره) در «تحریر الوسیله» فرموده است: «هریک از زن و شوهر حقی بر دیگری دارد که باید بدان

قیام کند؛ گرچه حق شوهر عظیم تر است. از جمله حقوق مرد آن است که زن از وی اطاعت کرده و نافرمانی

۱۰۲- همان، ص ۵۲۴، باب ۲۴، ح ۴.

۱۰۳- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۳۰، باب ۶، ح ۱.

۱۰۴- همان، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۲، ح ۲.

۱۰۵- همان، ج ۱۴، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۱۰۶- شیخ طوسی، المبسوط، ج ۴، ص ۳۳۱.

۱۰۷- شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۸، ص ۳۰۸.

۱۰۸- محمد باقر سبزواری، کفایة الاحکام، ص ۱۸۶.

۱۰۹- جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۰۶.

نماید و از خانه‌اش بدون اجازه او خارج نشود. اگرچه برای ملاقات یا عیادت پدر و بستگانش؛ حتی در مراسم عزای آنان بدون اذن شرکت نکند.»^{۱۱۴} بعضی از حقوقدانان نیز متأثر از چنین باور غالبی، گفته‌اند: «از نظر فقهی، اصولاً خروج از خانه به هر منظور که باشد، باید با موافقت شوهر انجام پذیرد».^{۱۱۵}

به هر حال، مبانی این باور می‌تواند از یک سو، اعتقاد به لزوم اطاعت زن از شوهر به صورت مطلق باشد،^{۱۱۶} و از سوی دیگر، می‌توان اساس نظریه‌ی ذکرشده را بر این ادعا قرار داد که حق کامجوی شوهر مطلق است و هیچ قیدوشرطی آن را محدود نمی‌سازد. از این رو، زن باید برای خارج شدن از منزل که زمینه‌ی بهره‌جویی مرد را از میان می‌برد، اجازه بگیرد.^{۱۱۷} برخی هم برای اثبات این نظریه به آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب استناد کرده‌اند^{۱۱۸} که چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.

نکته‌ی شایان توجه درباره‌ی روایات این است که این روایات، در مقام منع خروج زنی است که از انجام وظیفه‌اش سر باز زده و با بی‌اعتنائی به حق مسلم شوهر (حق استمتاع)، خانه و خانواده را رها کرده است. بدین سان، روایات ذکر شده هیچ‌گونه منافاتی با بیرون رفتن متعارف و معقول بانوی خانه به گونه‌ای که با حقوق شوهر موافق باشد، ندارد. در غیر این صورت، چنین حکمی با دیگر احکام اسلامی ناسازگار می‌شود. برای مثال، کیفر برای زنان سازگار نیکوکاری که برای اموری چون حضور در مسجد برای انجام عبادت و اعتکاف و یادگیری احکام اسلامی و صله‌ی رحم از خانه خارج می‌شوند، چه توجیهی دارد و این چنین نظری با انبوه آموزه‌های دینی و اخلاقی و نظر علمای اسلام ناهماهنگ و در تضاد است. بنابراین، روایات ذکرشده هیچ‌گاه در مقام ممنوعیت بی‌قیدوشرط بیرون رفتن زن از خانه شوهر نیست؛ بلکه تنها به ملاحظه‌ی حق شوهر در کامجویی از همسر است و باید در کنار دیگر حقوق و وظایف دیده شود.

۱۱۰- امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۳.

۱۱۲- سید علی حائری (شاهباغ)، شرح قانون مدنی ایران، ص ۹۶۴؛ سید مصطفی محقق داماد، بررسی فقهی خانواده - نکاح و انحلال آن، ص ۳۱۶.

۱۱۳- جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۱۴۷.

۱۱۴- همان، ج ۱۷، ص ۳۳۳.

۱۱۵- علی مشکینی، الزواج فی اسلام، ص ۲۲۶.

ناگفته نماند که منع خروج زن از منزل، تنها در صورت منافات با حق استمتاع شوهر خلاصه نمی‌شود؛ بلکه معیار مهم دیگری نیز وجود دارد که کمتر مورد توجه فقهای عظام واقع شده است. این معیار که در مورد رفت و آمدها و معاشرت‌های زن بسیار تعیین‌کننده می‌باشد، موقعیت ریاست شوهر و مدیریت وی در خانواده است. براساس ریاست شوهر و مقام سرپرستی او بر خانواده که مسئولیتی برای حفظ و رعایت مصالح خانواده و پاسداری از حرمت و حیثیت آن است، این اختیار برای او وجود دارد که برای حفظ نظام خانواده و حراست از ناموس و عفت آن، معاشرت‌ها و رفت و آمدهای زن را تحت کنترل و نظارت خویش در آورد. متفکر شهید استاد مطهری با درک همین واقعیت گفته است: «مصلحت خانواده ايجاب می‌کند که خارج‌شدن زن از خانه توأم با حلیت رضایت شوهر و مصلحت‌اندیشی باشد؛ البته مرد هم باید در حدود مصالح زندگی نظر بدهد و نه بیشتر.»^{۱۱۹}

بنابراین، شوهر، به‌عنوان رئیس خانواده، می‌تواند با تشخیص مصلحت و صلاحدید، رفت و آمد همسرش، حتی رفتن او به مسجد، را محدود کند؛ مثلاً درموقعی که خوف تعرض یا اختلاط‌های ناشایست و معاشرت‌های بی‌بندوبار می‌رود یا زمانی که شوهر بیرون رفتن زن را خطر و آسیبی برای کانون گرم خانواده می‌بیند. البته، در مواردی که مفسده و منع شرعی وجود نداشته باشد، محدودیت شوهر مستندی ندارد. به‌عنوان مثال هنگامی که زن برای استغفای حقوق قانونی خویش (شرکت در انتخابات، اقامه‌ی دعوی در دادگاه و...)، یا انجام فرائض دینی (انجام حج، ادای خمس و...)، یا عیادت و مراقبت از والدین خود از منزل خارج می‌شود، نیازی به موافقت شوهر ندارد و او نیز نمی‌تواند مانع شود. باتوجه‌به این مطالب، اگر زن برای رفتن به مسجد جهت عبادت و اعتکاف و... اجازه‌خواست و شوهر مفسده‌ای در این حضور وی نمی‌بیند، شایسته است که منع نکند. رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در این باره فرمودند: «هنگامی که زنان از شما اجازه رفتن به مسجد می‌خواهند، آنان را از بهره و نصیبشان از مسجد محروم نکنید و اجازه دهید»^{۱۲۰}

۱۱۹- شهید مطهری، مسئله حجاب، ۱۳۶۱ش، ص ۸۸.

۱۲۰- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید ابن ابی الحدید، کتابخانه مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۴. سنن ترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۵. صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ق
۶. وسائل الشیعه، شیخ حرعاملی، دارالاحیاء التراث العربی (۲۰ جلدی).
۷. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، انتشارات اسلامیة وابسته به جامعه مدرسین، ج ۳، قم، ۱۴۱۳ ق.
۸. التّهذیب، شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، تهران، ۱۳۶۵ ه.ش.
۹. عروۃ الوثقی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۲۰ ق.
۱۰. مجمع البیان، امین الدین طبرسی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۹ ق.
۱۱. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه محمد حسین طباطبائی، موسسه نشر اسلامی، قم.
۱۲. بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی، لبنان، موسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. سنن ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، دارالفکر، بیروت.
۱۴. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۸ ق.
۱۵. رساله توضیح المسایل، مکارم شیرازی، ناصر.
۱۶. صحیح مسلم، مسلم ابن حجاج نیشاپوری، دارالفکر، بیروت.
۱۷. جواهر الکلام، محمدحسن نجفی، تحقیق عباس قوچانی، ناشر دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ۱۳۶۷ ه.ش.
۱۸. الحقائق الناطره، یوسف بحرانی، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۶ ه.ق.
۱۹. مختلف الشیعه، علامه حلی، مرکز ابحاث اسلامی، مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۱۸ ه.ق.
۲۰. ازدواج و شیوه همسراری از دیدگاه اسلام، محمد محمدی اشتهاردی، تهران، انتشارات کتاب یوسف، ۱۳۷۸.
۲۱. مسالک الافهام، شهید ثانی، مؤسسه المعارف الاسلامیه.

٢٢. توضيح المسائل مراجع، بنى هاشمى خمينى، محمد حسن، انتشارات اسلامى، قم، ١٣٧٧ هـ.ش.
٢٣. منهاج الصالحين، سيدعلى سيستانى، دفتر آيت ا... سيستانى، قم، ١٤١٧.
٢٤. المبسوط فى فقه الاماميه، شيخ طوسى، المكتبة المرتضى، تهران، ١٣٨٧.
٢٥. مستندالشيعة، محمد مهدى نراقى، آل البيت، قم، ١٤١٥.
٢٦. مجمع الفائدة و البرهان فى شرح ارشاد الاذهان، محقق اردبيلي، جامعه مدرسين قم، بى تا.
٢٧. مستمسك عروة الوثقى، سيدمحسن حكيم، ج ٥، موسسه اسماعيليان، قم، ١٤١١.
٢٨. منهاج الصالحين، سيد ابوالقاسم خويى، ج ٢٨، مدينة العلم، قم، ١٤١٠.
٢٩. احكام مسجد، محمد حسين فلاح زاده، چاپ اسوه.
٣٠. صحيح مسلم، چاپ دارالاحياء التراث العربى، بيروت.
٣١. بيت الاحزان فى ذكر احوالات سيده نساء العالمين فاطمة الزهراء، شيخ عباس قمى، قم، انتشارات سيدالشهدا، ١٤٠٤ ق.
٣٢. سيمای مسجد، رحيم نوبهار، ج ٢، نشر مؤلف.
٣٣. الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، چاپ دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ هـ.ش.
٣٤. مكارم الاخلاق، حسن بن فضل الطبرسى، چاپ موسسه انتشارات فراهانى.
٣٥. كشف الغمّة، ابن أبى الفتح الإربلى، الطبعة الثانية، بيروت، دارالاضواء.
٣٦. اسدالغابة، ابن اثير، انتشارات اسماعيليان، تهران.
٣٧. تحريرالوسيلة، امام خمينى (ره)، قم، اسماعيليان.
٣٨. سنن ابى داود، ابوداود سليمان بن اشعث السجستانى، داراحياء النبويه، بيروت.
٣٩. كنزالعمال فى سنن الاقوال و الافعال، علاءالدين فاضل هندی، موسسة الرساله، بيروت، ١٤٠٩.
٤٠. سنن بيهقى، احمد بيهقى، دارالمعرفه، بيروت.
٤١. الامالى، شيخ طوسى، قم، دارالثقافة، ١٤١٤ ق.
٤٢. منتهى المطلب، علامه حلى، چاپ تبريز، حاج احمد، ١٣٣٣.
٤٣. المغنى، عبدالله بن قدامه، دارالكتاب العربى، بيروت.

۴۴. مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام، سید محمد عاملی، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۰.
۴۵. شرایع الاسلام، علامه حلی، موسسه المعارف الاسلامیه، قم.
۴۶. مصباح الفقیه، آقای رضا همدانی، مکتبه الصدر، چ سنگی.
۴۷. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، چ ۳، دارالاسوه، ۱۳۸۰.
۴۸. روض الجنان فی شرح ارشاد الازهان، شهیدثانی، موسسه آل البيت، ۱۴۰۴ق.
۴۹. عون المعبود شرح سنن ابی داود، محمد شمس الحق العظیم آبادی، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۵۰. اعلام الساجد بأحكام المساجد محمد بن عبدالله زركشى، مصر، قاهره، ۱۳۸۴ق.
۵۱. دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری، موسسه البعثه، قم، ۱۴۱۳ق.
۵۲. مسئله حجاب، شهید مرتضی مطهری، صدرا، چ ۳۷، ۱۳۷۲ ش.
۵۳. تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی الزبیدی، المکتبه الحیاء، بیروت.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد